



طوفان الاقصی: تحلیلی از قلب مقاومت

بررسی استراتژی‌ها و پیامدهای عملیات اخیر در نوار غزه و تأثیر آن بر آینده منطقه در گفت‌وگوی اختصاصی با منیر شفیق

هادی معصومی زارع

مصاحبه‌کننده | دانش‌آموخته
دکتری گرایش مطالعات خاورمیانه
دانشگاه تهران

در این گفتگو، می‌نشینیم روبروی منیر شفیق، چهره‌ای تأثیرگذار در جهان اسلام و عرب که نقش مهمی در تحولات سیاسی منطقه داشته است. متولد ۱۹۳۴ در قدس، شفیق با پیشینه‌ای درخشان در فلسفه و علوم سیاسی، از دوران جوانی در مبارزات ضد استعماری فعال بوده و در نهایت به اسلام گرویده است. این مصاحبه با مجله باور، فرصتی است برای درک عمیق‌تر از تجربیات و دیدگاه‌های او درباره مقاومت فلسطین و تحولات منطقه‌ای. شفیق دیدگاه‌های خود را درباره تحولات اخیر فلسطین و پیامدهای عملیات طوفان الاقصی برای مقاومت فلسطینی به اشتراک می‌گذارد. این گفتگو در تاریخ ۲۲ آبان ۱۴۰۲ انجام شده است.

جناب استاد منیر شفیق، ضمن تشکر از قبول مصاحبه برای نخستین سؤال می‌خواستم تفسیر و برداشت و تحلیل خودتان را از عملیات طوفان الاقصی بشنوم.

در هفتم اکتبر گردان‌های عزالدین قسام به فرماندهی محمد ضیف و برادرانش در جنبش حماس دست به عملیات طوفان الاقصی زدند و در گام اول به آنچه شهرک‌های صهیونیستی غلاف غزه گفته می‌شود

حمله کردند. این اراضی در اصل تاپیش از ۱۹۴۸ جزء اراضی فلسطینی‌ها بود و این اولین بار است که فلسطینی‌ها بعد از ۷۶ سال وارد این اراضی می‌شدند.

دشمن صهیونیستی با این عملیات متحمل خسارات زیادی شد. این عملیات بردشمن آشکار کرد که مقاومت از قدرت غیرقابل باوری در طراحی و اجرای عملیات برخوردار است. و همچنین طوفان الاقصی به لحاظ تمهیدات و برنامه‌ریزی مخفی و نیز گستردگی دامنه آن حتی دستگاه‌های نظامی و امنیتی دشمن صهیونیستی را غافلگیر کرد و این غافلگیری خیلی درخشان بود.

با این حال من معتقدم که غافلگیری دومی نیز روی داده است که کمتر به آن توجه می‌شود و آن این است که ارتش صهیونیستی از آمادگی لازم برخوردار نبوده است، در حالی که ارتش‌ها همواره باید از آمادگی لازم برخوردار باشند و به دلیل عدم آمادگی ارتش رژیم غافلگیر شده است. راز تلفات سنگین ارتش و شهرک‌نشین‌ها در همین غافلگیری ارتش بود. برای همین بود که رزمندگان مقاومت که شاید بیش از ۱۵۰۰ نفر نبودند توانستند منطقه‌ای به وسعت ۳۷۰ کیلومتر مربع را ولور برای